

تفریح، قمار، موسیقی

امام کاظم (ع) :

« تلاش کنید که اوقاتان شامل چهار بخش باشد :

زمانی برای مناجات با خداوند،

و زمانی برای کسب روزی و امر معاش،

زمانی برای دیدار و گفت‌وگو با برادران دینی و افراد مورد اعتماد که عیب‌هایتان

را گوشزد و باطن‌تان را خالص می‌کنند،

و زمانی نیز برای بهره‌مندی از لذت‌های حلال؛

و به واسطه این زمان است که توانایی استفاده از سه زمان دیگر را به دست می‌آورید.»^۱

● آخرین مبحث از احکام اجتماعی که مورد بررسی قرار خواهد گرفت، درباره تفریحات سالم و ناسالم است، که از آن موارد، به احکام ورزش، بازی، قمار، و موسیقی اشاره خواهیم کرد.

استراحت و تفریح

دین اسلام علاوه بر توجه به معنویت، مشوق سلامت جسمانی و شادی و رضایت روحی است. یک دین کامل زمانی تحقق می‌یابد که نه تنها برای سعادت اخروی، بلکه برای زندگی دنیوی انسان

۱- «اجتهدوا فی أن یکونَ زمانکم أربعَ ساعاتٍ؛ ساعةً لمُناجاةِ اللَّهِ و ساعةً لِأمرِ المعاشِ و ساعةً لِمعاشرةِ الإخوانِ و الثقاتِ الذینَ یعزفونکم عُیوبکم و یخلصونَ لکم فی الباطنِ و ساعةً تَخْلونَ فیها لِلذانیکم فی غیرِ مُحَرَّمٍ و بهذِهِ السَّاعةِ تَقْدِرُونَ عَلَی ثلاثَةِ سَاعَاتٍ». کتاب

تحف العقول، ص ۴۰۹.

نیز برنامه و دستور داشته باشد. در نظام معرفتی اسلام، دنیا متاعی برای ساختن آخرت است و برای بهره‌مندی صحیح از آن باید برنامه‌ریزی نمود.

همان‌گونه که جسم انسان از کار و تلاش خسته می‌شود و به استراحت نیاز دارد، روح آدمی نیز نیازمند تجدید قوا و محتاج نشاط است. «اوقات فراغت» زمان‌هایی است که انسان جهت استراحت تن و بازپروی روح، دست از کار روزانه می‌شویید و با پرداختن به امور نشاط‌آور و مفید، نیرویی دوباره جهت ادامه تلاش و کار به دست می‌آورد.

ارتباط روح با جسم و تأثیر آن دو بر یکدیگر، لزوم توجه به هر دو بُعد را نمایان می‌سازد؛ و نیک گفته‌اند که: «عقل سالم در بدن سالم است.» توجه اسلام به سلامتی و بهداشت، و دستورات گوناگون آن؛ شامل: طهارت و نجاست، مستحبات و مکروهات، و حرمت استفاده از برخی مواد مضر برای سلامتی بدن، همگی نشان از توجه به سلامتی جسم در کنار توجه به خودسازی و سلامتی روح دارد.

استفاده صحیح از اوقات عمر، از دستورات مؤکد اسلام برای زندگی سالم و پربرکت است. در این میان، ساعاتی را باید به کار و کسب یا تحصیل علم و دانش اختصاص داد، ساعاتی را برای عبادت و ارتباط با پروردگار، ساعاتی برای خواب و استراحت، و ساعاتی نیز جهت تفریح و شادی مشروع و حلال.

ساعات تفریح و استراحت، در حقیقت زمینه‌ساز آمادگی برای دیگر ساعات است. انسانی که در زندگی هدفمند است و خواهان بهره‌وری از سرمایه بزرگ عمر است، با برنامه‌ریزی و تفکر صحیح، اوقات فراغت خود را به نحو مناسب پر کرده و خستگی را از جسم و روح می‌زداید.

اسلام و تفریح

اسلام با تفریح و شادی که موجب نشاط و شادابی در کار و زندگی شود، نه تنها مخالف نیست؛ بلکه در روایات، به اختصاص ساعاتی از روز به آن توصیه شده است.

البته تفریح و شادی که اسلام به آن سفارش نموده، کارهایی مانند ورزش و سفر است که موجب نشاط جسم و روح می‌شود و اگر کاری باعث ضربه زدن به جسم یا روح شود، جایز نیست؛ لذا در اسلام، بازی با آلات قمار و گوش دادن به موسیقی‌های مبتذل و استعمال مواد مخدر که برخی جوانان امروز به عنوان راه تفریح انتخاب کرده‌اند، حرام است؛ زیرا موجب ضرر به جسم یا روح جوان می‌شود.

یکی از بازی‌های رایانه‌ای یا تفریحات متداول امروزه را انتخاب نموده و فواید و مضرات آن را بنویسید.



الف) ورزش: ورزش و تحرک جسمانی، علاوه بر تقویت و سالم‌سازی قوای جسمی، موجب نشاط و سلامت روحی می‌شود. در دین اسلام نیز ضمن توصیه به کار و فعالیت، به امر ورزش توجه خاصی شده است که در این میان، ورزش شنا از جایگاهی خاص برخوردار بوده و «بهترین سرگرمی مؤمن» معرفی شده است.

البته اعتدال و میانه‌روی در همه کارها، از جمله ورزش مورد سفارش اسلام است؛ زیرا توجه بیش از اندازه به ورزش یا پیگیری بازی‌های ورزشی، مانع توجه لازم به درس یا دیگر وظایف فردی و خانوادگی می‌شود.

درباره فواید ورزش شنا و تأثیرات مثبت آن بر روح و جسم، تحقیق کرده و آن را در کلاس ارائه دهید.



ب) قمار و شرط‌بندی: قمار یکی از تفریحات ناسالم و حرام است. قمار عبارت است از بازی با وسایل مخصوص (آلات قمار) به قصد بُرد و تصاحب پول دیگری البته بازی با این وسایل به قصد بازی و سرگرمی نیز حرام است، حتی اگر پای برد و باخت در میان نباشد و پولی ردّ و بدل نشود.^۱ جدا از بازی قمار، شرط‌بندی (به معنای عرفی آن) نیز حرام است و پول حاصل از آن نامشروع بوده و تصرف در آن جایز نیست (حتی اگر با رضایت دو طرف باشد).

نشستن در مجلسی که در آن قمار انجام می‌شود نیز ممنوع و حرام است؛ این کار علاوه بر تأیید

۱- بازی شطرنج که گفته می‌شود امروزه از ابزار مخصوص قمار خارج شده و جنبه بازی فکری پیدا نموده است، بنا به فتوای برخی از مراجع (مانند حضرت امام بلاشکال و بنا بر فتوای برخی علما، کماکان حکم قمار را داشته و حرام است. اما بازی با دیگر ابزار قمار که هنوز مصداق قمار دارند (مانند پاسور)، به فتوای تمام فقها حرام است، حتی اگر فقط به قصد سرگرمی و بازی انجام شود.

و تشویق آنان به ادامه و تکرار گناه، تأثیرات روحی – معنوی نامطلوبی بر اشخاص حاضر در مجلس می‌گذارد. وظیفهٔ شخص در این گونه موارد، ابتدا موعظه و نهی از منکر، و در صورت تأثیر نداشتن، ترک مجلس گناه است.

کلام آسمانی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ

رَجِسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ
فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ
أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ
فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ
وَ يُصَدِّكُمْ عَنِ الذِّكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ
فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید،
شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای قرعه
[نوعی بخت‌آزمایی]،

پلیدند و از عمل شیطان‌اند،
از آنها دوری گزینید تا رستگار شوید.
همانا شیطان می‌خواهد
در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند،
به وسیلهٔ شراب و قمار،
و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد.
آیا (با این همه زیان و فساد، و با این نهی
اکید) خودداری خواهید کرد؟

سورهٔ مائده، آیات ۹۰ و ۹۱

فَعَالِيَت

با توجه به مضمون آیه، حکمت تحریم قمار را بیان نموده و عواقب آن را توضیح دهید.



ج) موسیقی: لذت بردن از آواز خوش، جزو خصوصیات ذاتی انسان است.
قرائت قرآن با صدای خوش و گفتن اذان با صوت دلنشین مورد سفارش اسلام است.

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

لِكُلِّ شَيْءٍ حِلْيَةٌ

وَحِلْيَةُ الْقُرْآنِ الصَّوْتُ الْحَسَنُ. و زیبایی بخش قرآن، صوت زیباست.

اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۵

موسیقی عبارت از نوای خوشی است که از حنجرهٔ انسان یا ابزار خاص تولید شده و گونه‌های مختلفی دارد. موسیقی به دو دسته حلال و حرام تقسیم می‌گردد.

معیارهای تشخیص موسیقی حرام عبارت‌اند از :

- ۱- هرگونه آوازی که ریتم یا محتوای آن مخصوص مجالس گناه باشد.
- ۲- هرگونه ساز موسیقی که مخصوص مجالس لهو و لعب باشد.
- ۳- هرگونه موسیقی که محتوای باطل، کفرآمیز یا تحریک‌کننده باشد.
- ۴- شنیدن آواز زن نامحرم که موجب مفسده گردد.

ببیندیشید و پاسخ دهید

- ۱- «اوقات فراغت» خود را چگونه صرف می‌کنید؟ چه مقدار از آن مفید است؟
- ۲- روش‌های «شاد زیستن» را برشمارید. مهم‌ترین عامل احساس شادمانی چیست؟
- ۳- برخی از تفریحات کم‌هزینه و در دسترس را نام ببرید.
- ۴- برخی ضررهای گوش کردن به موسیقی را نام ببرید.

زکات

حُذِّمْنَ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً ۱
 تَطَهَّرُهُمْ وَتُزَكِّيَهُمْ بِهَا ۲
 وَصَلِّ عَلَيْهِمْ ۳
 إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ ۴
 وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۵

از اموال آنها صدقه‌ای (به‌عنوان زکات) بگیر،
 تا بدین وسیله، آنها را پاک‌سازی و پرورش دهی
 و (به هنگام گرفتن زکات)، برای آنها دعا کن
 که دعای تو، مایه آرامش آنهاست
 و خداوند شنوا و داناست.

● درس‌های قبلی به احکام اجتماعی اختصاص داشت. از این درس به بعد، با احکام اقتصادی اسلام آشنا خواهیم شد. اولین مبحث مربوط به زکات است.

معنای زکات

کلمه «زکات» در زبان عربی دو معنا دارد: ۱- زیاد شدن؛ ۲- پاک شدن. اصطلاح «زکات» در فقه اسلامی به‌معنای جدا ساختن بخشی از اموال و پرداخت آن به نیازمندان و صرف در امور خیر است. پرداخت زکات مانند جدا کردن شاخه‌های زائد از درخت، موجب پرورش آن می‌گردد. همچنین سبب پاک شدن مال به‌سبب ادای حق محرومان می‌شود.

علاوه بر زکات اصطلاحی که شامل برخی از اموال می‌شود، هر نعمتی زکاتی دارد که باید آن را پرداخت؛ سلامت جسمانی، قدرت و توانایی، جمال و زیبایی، علم و دانایی و ... ۲.

۱- سوره توبه، آیه ۱۰۳

۲- زکاة القدرة الإنصاف، و زکاة الجمال العفاف، و زکاة اليسار بئر الجبران و صلة الأرحام، و زکاة الصّحة السعی فی طاعة الله، و زکاة الشّجاعة الجهاد فی سبیل الله. (غررالحکم)

اهمیت و فایده زکات

براساس روایات، اهمیت زکات آن قدر زیاد است که بدون پرداخت آن، نماز انسان مقبول حق واقع نمی‌شود.^۱ و فقری گرسنه نماند مگر به خاطر کوتاهی مردم در ادای زکات؛ و مالی در خشکی یا دریا از بین نرفت مگر به سبب پرداخت نکردن زکات.^۲

پرداخت زکات مانند سایر انفاق‌ها، غیر از آثار مادی، یعنی سیر کردن گرسنگان و رفع حاجت نیازمندان آثار معنوی دیگری نیز به همراه دارد؛ برکت یافتن مال، حفظ دارایی از بلا، پاکیزگی روح و توفیقات معنوی.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید :

هنگامی که مردم از پرداخت زکات
خودداری کنند،

إِذَا مَنَعُوا الزَّكَاةَ

زمین نیز برکت خویش را دریغ می‌کند

مَنَعَتِ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا

مِنَ الزَّرْعِ وَالشِّمَارِ وَالْمَعَادِنِ كُلِّهَا.^۳ از محصولات کشاورزی، میوه

درختان و معادن گوناگون

زکات، عامل افزایش اموال

مردم همواره دوستدار افزایش دارایی خود می‌باشند. برخی با کار و تلاش سالم، و برخی با بخل، برخی با دریافت سود بیش از حد، و برخی با رباخواری. به تصور بسیاری از مردم، پرداخت زکات موجب خسارت مالی و کاهش سرمایه است^۴، در حالی که خداوند روزی‌آفرین و روزی‌ده، راه افزایش دارایی را پرداخت قسمتی از مال خود به نیازمندان اعلام نموده و رباخواری را موجب زیان و خسارت معرفی می‌نماید؛ زیرا که خداوند، خیر و برکت را از ربا برداشته و به زکات منتقل نموده است.

خداوند، ربا را نابود می‌کند

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا

و صدقات را افزایش می‌دهد.

و يُرَبِّي الصَّدَقَاتِ^۵

۱- امام باقر علیه السلام : مَنْ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَلَمْ يُؤْتِ الزَّكَاةَ لَمْ يُقِمِ الصَّلَاةَ. کافی، ج ۳، ص ۵۰۶.

۲- امام صادق (علیه السلام)، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷.

۳- کتاب کافی، ج ۲، ص ۳۷۴.

۴- «وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا»؛ یعنی «و گروهی از اعراب آنچه را انفاق می‌کند زیان تلقی می‌کنند»، سوره توبه، آیه ۹۸.

۵- سوره بقره، آیه ۲۷۶.

چگونه ممکن است زکات و انفاق موجب افزونی مال شود، ولی رباخواری موجب افزایش نشود؟ احتمالات گوناگون را در معنای آیه بررسی کنید.



موارد تعلق زکات مالی

زکات بر نه چیز واجب است :

- الف) غَلَّات و محصولات کشاورزی : ۱- گندم ۲- جو ۳- خرما ۴- انگور (کشمش، مویز)
ب) دام‌ها : ۵- شتر ۶- گاو ۷- گوسفند
ج) سکه‌ها (نَقْدِین) : ۸- طلا ۹- نقره.

حدّ نصاب در زکات

زکات اموال مذکور در صورتی واجب است که به حدّ معین یا تعداد خاصی برسد، که به آن «حدّ نصاب» می‌گویند. و اگر کمتر از آن باشد، زکاتش واجب نیست. هر یک از این اموال نه‌گانه حدّ نصاب‌های خاص خود را دارد.

برای مطالعه

به‌طور نمونه، اولین حدّ نصاب گوسفند ۴۰ رأس است؛ یعنی اگر دامدار کمتر از چهل گوسفند داشته باشد، در آن سال زکات بر او واجب نیست. در صورت داشتن ۴۰ تا ۱۲۰ گوسفند، یک گوسفند را باید به عنوان زکات پردازد. حدّ نصاب دوم گوسفند، ۱۲۱ تا ۲۰۰ است و در ازای آن، باید دو گوسفند بدهد. حدّ نصاب سوم، ۲۰۱ است، و به همین ترتیب.

حد نصابها :

نوع	نصاب اول	میزان زکات	نصاب دوم	میزان زکات	نصاب سوم	میزان زکات	نصاب چهارم	میزان زکات
گوسفند	۴۰ رأس	یک گوسفند	۱۲۱ رأس	دو گوسفند	۲۰۱ رأس	سه گوسفند	۳۰۱ رأس	۴ گوسفند
شتر	۵ نفر	یک گوسفند	۱۰ نفر	دو گوسفند	۲۵ نفر	پنج گوسفند	۲۶ نفر	یک شتر دوساله
گاو	۳۰ رأس	یک گوساله دوساله	۴۰ رأس	یک گوساله سه‌ساله	۶۰ رأس	دو گوساله دوساله
گندم، جو، خرما، کشمش	۸۵۰ کیلوگرم	$\frac{1}{10}$ در صورت آبیاری به صورت دیمی یا قنات ، $\frac{1}{20}$ در صورت آبیاری با دست یا چاه.						
سکه طلا	۱۵ مثقال	یک چهارم						
سکه نقره	۱۰۵ مثقال	یک چهارم						

مصرف زکات

زکات در هشت مورد مصرف می‌شود.

مصرف صدقات برای نیازمندان، مستمندان، متصدیان (وصول و پخش) آن، دلجویی شدگان، آزاد کردن بردگان، بدهکاران، انفاق در راه خدا و به راه ماندگان واجب شده است، خداوند دانای حکیم است.	<p>إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبِهِمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ^۱</p>
---	--

۱- سوره توبه، آیه ۶۰.

۱- فقرا: فقیر فردی است که در اثر نداشتن کار دائم، یا پیشامدهای ناگوار زندگی، یا کثرت افراد تحت تکفل، دچار کمبود درآمد است، و امکان پرداختن به کار بهتر را نیز ندارد. در نتیجه نمی‌تواند خرج سال خود و عائله‌اش را در حد حفظ آبرو و متناسب با شأن اجتماعی خویش به دست آورد.



با توجه به آیه ۲۷۳ سوره بقره، پنج مشخصه نیازمندان واقعی را استخراج نمایید.

- ۲- مساکین: مسکین به فردی اطلاق می‌شود که به عللی مانند نقص عضو، بیماری، یا پیری، خانه‌نشین شده و قدرت کسب مخارج سالانه خود و خانواده‌اش را ندارد.
- ۳- عاملان: کسانی هستند که مأمور گرفتن، نگهداری و محاسبه زکات‌اند. سهمی از زکات به عنوان حق الزحمه به آنان پرداخت می‌شود.
- ۴- ایجاد اُلفت: قسمتی از زکات به کفار و مسلمانانی که عقایدشان ضعیف است اعطا می‌شود تا علاقه‌مند به اسلام شده و با دشمنان متحد نشوند.
- ۵- آزادی بندگان: در صورت وجود انسان‌های دربند یا برده، سهمی از زکات جهت رها نمودن آنان از بند اسارت (و زندان) پرداخت می‌گردد.
- ۶- بدهکاران: از دیگر مصارف زکات، پرداخت بدهی و قرض افرادی است که بر اثر ورشکستگی (نه از روی سستی و کوتاهی)، قادر به پرداخت بدهی خود نیستند.
- ۷- در راه خدا: هرچه مربوط به مصالح عمومی جامعه و مسلمانان بوده و نیز هر چه موجب اعتلای اسلام و از بین رفتن فتنه و فساد از حوزه اسلام یا مسلمانان می‌شود، از این قسم محسوب می‌گردد.
- ۸- در راه ماندگان: به مسافرانی که به‌علتی در غربت دچار بی‌پولی شده‌اند، از زکات به مقداری که آنها را به مقصد برساند پرداخت می‌گردد.



* تذکر: صدقه بر دو نوع است: واجب (زکات) و مستحب. غیر سید نمی‌تواند به سید زکات (صدقه واجب) دهد. ولی پرداخت صدقه مستحبی به سادات اشکال ندارد.

چند مورد از تفاوت‌های زکات با مالیات را بیان نمایید.



زکات بدن (فطره)

این نوع از زکات، بنا به روایات، متمم روزهٔ ماه مبارک رمضان است. مسلمانان مقارن با فرارسیدن عید فطر، و به پاس نعمت سلامتی و توفیق روزه‌داری، مقداری گندم یا خرما به نیازمندان می‌دهند تا آنان نیز در این روز بزرگ عیدی بگیرند.

مقدار زکات فطره: به ازای هر نفر، سه کیلوگرم گندم یا برنج یا خرما یا هر غذای متداول منطقه یا بهای آن به نیازمندان مؤمن پرداخت می‌گردد. فطرهٔ غیر سادات نیز به سادات فقیر تعلق نمی‌گیرد. **زمان پرداخت:** از غروب شب عید تا ظهر روز عید فطر. کسانی که امکان حضور در نماز عید را دارند، پیش از نماز عید باید آن را بپردازند یا از مال خود کنار بگذارند.

شرایط و جوب: افرادی که فقیر نیستند، واجب است فطرهٔ خود و افراد تحت تکفل (نان‌خور) خویش، حتی نوزاد را پرداخت نمایند. کسی که فطره‌اش بر دیگری واجب است، از عهدهٔ وی ساقط می‌شود، حتی اگر غنی باشد. و اگر بداند که سرپرست خانواده یا میزبان، زکات وی را نپرداخته یا فراموش کرده، پرداخت زکات بر وی واجب نیست، هر چند احتیاط مستحب این است که به‌جای آنها پرداخت کند.

بیندیشید و پاسخ دهید

- ۱- ارتباط میان خشکسالی و سیل را با پرداخت نکردن زکات چگونه توجیه می‌کنید؟
- ۲- اگر مردم مقید به پرداخت زکات باشند وضعیت جامعه چه تغییراتی خواهد نمود؟

پیشنهاد جهت تحقیق

آثار فردی - اجتماعی پرداخت زکات، و آثار منفی بی‌توجهی به آن را بررسی و به عنوان یک کار تحقیقی در کلاس ارائه دهید.

خمس

و بدانید هرگونه غنیمتی به دست آورید،	وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ
یک پنجم آن برای خدا،	فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ
و برای پیامبر،	وَلِلرَّسُولِ
و برای خویشان (او)	وَلِذِي الْقُرْبَىٰ
و یتیمان	وَالْيَتَامَىٰ
و مسکینان	وَالْمَسَاكِينِ
و واماندگان در راه (آنها) است،	وَابْنِ السَّبِيلِ
اگر به خدا ایمان آورده‌اید ...	إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ ...

درس گذشته درباره زکات بود و این درس درباره برخی احکام خمس است.

خمس چیست؟

«خمس» در لغت به معنای یک پنجم، و در اصطلاح شرعی به معنای جدا کردن یک پنجم از مازاد درآمد سالیانه و پرداخت آن به امام معصوم است. امام نیز آن را در موارد معین شرعی به مصرف می‌رساند. در زمان غیبت که به امام معصوم (علیه السلام) دسترسی نیست، مسئولیت وجوه شرعی بر دوش جانشینان عام وی، یعنی ولی فقیه یا مراجع تقلید است.

خمس و زکات، در حقیقت پرداخت قسمتی از همان مالی است که خداوند متعال به انسان عنایت نموده و جهت رفع نیازهای جامعه به کار گرفته می‌شود. بنابراین، انجام این وظیفه نه تنها منتهی بر خدا و رسولش نیست؛ بلکه لطفی از سوی پروردگار است که موجب رفع فقر، کاهش فاصله طبقاتی، رشد جامعه، پاک‌ی مال و روح انسان‌ها می‌گردد.

تصرف در مالی که به آن خمس تعلق گرفته جایز نیست و قبل از هرگونه تصرف باید خمس آن را جدا نمود. همین‌طور در مورد ارث، در صورتی که مشمول پرداخت خمس باشد، قبل از تقسیم بین ورثه باید خمس آن محاسبه و پرداخت گردد.

مصرف خمس

مطابق دستور الهی، نیمی از خمس، سهم امام معصوم و نیم دیگر سهم سادات فقیر است. سهم امام صرف نیازهای جامعه و مصالح اسلام و مسلمانان، مانند ساخت مسجد و مراکز دینی، تربیت مبلغان دینی و امور فرهنگی می‌شود. سهم دیگر، متعلق به سادات نیازمند است؛ چون خداوند برای تکریم و عزت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ذریه و فرزندان، دریافت صدقه و زکات را بر آنان حرام کرده است که البته فقط به اندازه احتیاج سالانه به آنان پرداخت می‌شود. در هر دو مورد، خمس باید توسط حاکم شرع (ولّی فقیه یا مرجع تقلید) یا تحت نظر وی و با اجازه ایشان مصرف شود.



فلسفه نظارت حاکم شرع و مدیریت واحد مصرف خمس چیست؟ در صورت غیرمتمرکز شدن مصرف وجوهات، چه معایبی ممکن است در جامعه رخ دهد؟

موارد تعلق خمس

به هفت مورد، خمس تعلق می‌گیرد. در اینجا ما فقط به دو مورد، که کاربرد بیشتری دارد خواهیم پرداخت.

برای اطلاع از دیگر موارد و احکام آنها، به رساله‌های توضیح المسائل و دیگر کتب فقهی مراجعه نمایید.

۱- درآمد بیش از هزینه‌های سالیانه (مُؤَنه): افراد جامعه با شغل‌های مختلف درآمدهای

متفاوتی دارند؛ گاهی درآمد فرد، کفاف نیازهای اولیه و ضروری وی در زندگی را نمی‌دهد. در این صورت دیگران وظیفه دارند به وی کمک کنند تا از فقر نجات یابد. گاهی وضعیت مالی فرد به گونه‌ای است که محتاج دیگران نیست، ولی درآمدش بیشتر از مخارج معمول زندگی او نیست یا حتی کمتر است. اما گاهی درآمد شخص، بیشتر از نیاز او است. در این صورت یا آن مازاد را برای آینده پس‌انداز می‌کند، یا آن را سرمایه‌گذاری می‌کند، یا به افراد دیگر می‌دهد. به این مقدار مازاد، خمس تعلق می‌گیرد و باید یک‌پنجم آن مازاد را پرداخت کند.

در حقیقت هر مالی که انسان به دست می‌آورد، یک پنجم آن متعلق خمس است، اما جهت تخفیف، مخارج یک سال از شمول خمس معاف شده و فقط خمس مازاد بر مخارج سالانه واجب است.

«سال خمسی» عبارت است از سالگرد اولین روز شروع کار یا کسب درآمد. با رسیدن سال خمسی، (سر سال) انسان موظف است که یک پنجم از آنچه را خرج نشده است، به عنوان خمس جدا ساخته و پرداخت نماید. چهار پنجم باقیمانده را می‌تواند تا هر زمان که مایل بود نزد خود نگهداری و یا آن را سرمایه‌گذاری نماید؛ به مال خمس داده شده در سال‌های دیگر خمس تعلق نمی‌گیرد^۱.

فرار از خمس: برخی افراد برای فرار از پرداخت خمس، هنگام نزدیک شدن «سال خمسی»، اقدام به خرید وسایلی می‌کنند که فعلاً به آنها نیاز ندارند. چنین کاری بیهوده است و خمس آنها را نیز باید پرداخت کنند. همچنین اگر شخص با خرید وسایل تجملاتی یا غیر متناسب با جایگاه اجتماعی خود، اسراف و تبذیر کند، باید خمس آن وسایل و مقدار اسراف شده را بپردازد.



به نظر شما، انگیزه فرار برخی افراد از پرداخت خمس چیست؟ توجیحات مختلف این افراد را بررسی نمایید.



۲- مال حلال مخلوط با مال حرام: دومین مورد وجوب خمس عبارت است از «مال حلال مخلوط با حرام» به گونه‌ای که تفکیک آن دو از یکدیگر ممکن نباشد؛ یعنی نه مقدار مال حرام مشخص باشد و نه صاحب آن (که از طریق او مقدار آن مشخص شود یا مصالحه انجام شود). در این صورت باید خمس تمام اموال را پرداخت نمود تا استفاده از مابقی جایز شود.

۱- به اصطلاح فقهی: الْمُخْمَسُ لَا يُخْمَسُ.

نمونه رایج و مبتلا به آن در مورد افرادی است که از ابتدای سن تکلیف، حساب خمسی نداشته‌اند و نمی‌دانند چه میزان خمس بر اموال آنها تعلق گرفته است.



حکم مسئله را در صورت مشخص بودن مقدار مال حرام و نامعلوم بودن صاحب آن، و نیز در صورت معلوم بودن صاحب مال و مجهول بودن میزان مال بیان کنید.

پیشنهاد تحقیق

- ۱- آیا به پول پس‌اندازشده جهت تهیه مسکن یا خرید جهیزیه خمس تعلق می‌گیرد؟ نظر مرجع تقلید خود را در این باره به دست آورید.
- ۲- چنین مشهور است که «هدیه خمس ندارد»؛ با مراجعه به رساله (و استفتائات) مراجع تقلید تحقیق کنید که کدام یک از مراجع آن را واجب و کدام یک مستحب می‌دانند.

بیندیشید و پاسخ دهید

- ۱- اگر فرد از وسیله‌ای که خریداری کرده و فعلاً مورد نیاز وی نیست برای فرار از خمس چند بار استفاده کند آیا از شمول خمس خارج می‌گردد؟
- ۲- کسی که شغل و درآمد مستمر ندارد سال خمسی خود را چگونه باید تعیین کند؟
- ۳- آیا پرداخت خمس فقط مربوط به صاحبان مشاغل آزاد است؟ آیا ممکن است به کارمند یا دانش‌آموز نیز خمس واجب شود؟ (توضیح دهید)

وصیت

كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ
 أَنْ تَرَكَ حَيْرًا
 بر شما نوشته شده است :
 هنگامی که مرگ یکی از شما فرارسد،
 اگر چیز خوبی [مالی] از خود
 به جای گذارده،
 الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ،
 برای پدر و مادر و نزدیکان،
 به طور شایسته وصیت کند،
 حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ.^۱
 این حقّی است بر پرهیزکاران.

وصیت و انواع آن

تجربه بسیار ارزشمند است. انسان‌های بزرگ، چکیدهٔ تجربهٔ خود را در قالب وصیت به فرزندان یا آشنایان خود منتقل می‌کنند تا آن را سرلوحهٔ زندگی خویش قرار دهند؛ سفارش‌هایی مملو از نکات اجتماعی و ظرایف اخلاقی. وصیت‌های ائمهٔ اطهار (علیهم‌السلام)، امام خمینی (ره)، و شهدای جنگ تحمیلی از عالی‌ترین نمونه‌های وصیت است.

هر کس می‌تواند وصیت کند؛ از توصیه‌های اخلاقی گرفته تا وصیت‌های مالی. وصیت می‌تواند کتبی یا شفاهی باشد، البته اعتبار وصیت کتبی بیشتر است. انسان تا زمانی که زنده است اختیاردار اموال خویش است و پس از مرگ، اموالش در اختیار بازماندگان او قرار می‌گیرد. او حق دارد نسبت به چگونگی تقسیم یک‌سوم اموالش اظهار نظر (وصیت) کند.

۱- سورة بقره، آیه ۱۸۰

قسمتی کوتاه از وصیت یکی از بزرگان یا شهدا را انتخاب و در قالب چند سطر برای نصب در کلاس یا تابلوی مدرسه ارائه نمایید.



موارد وصیت مالی

بهترین روش تقسیم دارایی انسان پس از مرگ را خداوند در قرآن تعیین کرده است^۱. و به انسان نیز این حق را داده تا بتواند درباره اموال خویش و نحوه تقسیم آن پس از مرگ، وصیت کند. این وصیت‌ها معمولاً شامل کمک مالی به امور خیر (مانند ساخت مسجد، حسینیه، مدرسه، و کمک به نیازمندان)، گرفتن نایب برای قضا کردن نمازها و روزه‌های فوت شده، انجام سایر اعمال عبادی نظیر عمره، بهره‌مند کردن برخی اقوام یا آشنایانی که از او ارث نمی‌برند، و نظایر آن است.

وصیت مالی حداکثر تا یک سوم اموال، جایز است. و اگر کسی بیش از ثلث دارایی‌اش وصیت کند، فقط تا یک سوم آن لازم‌الاجراست و بیش از آن منوط به اجازه وارثان و گذشتن از حق شرعی آنها (وارثان) می‌باشد.

به جز وصیت ثلث که گاهی «ثلث خیریه» نیز نامیده می‌شود، در صورتی که بدهی، امانت یا حق الناسی برگردن وی باشد، واجب است آن را به اطلاع وارثان یا وصی خود برساند و در مورد ادای آن، وصیت کند؛ البته وصیت در مورد پرداخت بدهی، محدود به ثلث اموال نمی‌شود؛ بلکه مقدم بر تقسیم ارث است.



نحوه وصیت

وصیت کردن منحصر به زمان مرگ یا بیماری نیست؛ بلکه مستحب است که انسان همواره خودش را برای مرگ و حوادث غیرمترقبه آماده و با عاقبت‌اندیشی برای آینده برنامه‌ریزی کند. هر فرد مسلمان موظف است با مشاهده علائم مرگ، امانات مردم را به صاحبانش بازگرداند و بدهی خود را پرداخت یا به دادن آن وصیت کند؛ اگر دینی (مال یا غیر آن) برعهده‌اش است ادا نماید یا حلالیت بطلبد؛ همچنین اگر فرزند صغیری دارد یا سرپرستی یتیمی را برعهده دارد، لازم است برای آنان قیّم تعیین نماید.

۱- در درس بعد با برخی از این قوانین آشنا خواهید شد.

فردی که از سوی وصیت‌کننده، (موصی) عهده‌دار اجرای وصیت می‌شود «وصی» نام دارد. وصیت می‌تواند کتبی یا شفاهی باشد و بهتر این است که در حضور دو شاهد عادل یا به صورت محضری انجام پذیرد تا موجب اختلاف نگردد.



در اسلام برای هر یک از طرفین وصیت، حقوق و تکالیفی وجود دارد که باید آن را رعایت نمود:

حقوق وصیت‌کننده

وارثان، و نیز وصی، موظف به رعایت موارد ذیل اند:

- ۱- توجه به «امانت» بودن وصیت‌نامه و محتوای آن، و وظیفه‌ی خطیر امانتداری و مواظبت از تحریف نشدن آن.
- ۲- احترام به حق تصرف وصیت‌کننده درباره‌ی اموال خود پس از مرگ خویش و توجه به تکلیف‌آور بودن این حق برای وصی و نزدیکان در عمل به مفاد آن (مشروط به این که خلاف شرع نباشد).
- ۳- کوتاهی نکردن و به تعویق نینداختن اجرای وصیت و عمل نمودن دقیق به آن، به عنوان تشکر از زحمات آن متوفی.

حقوق وصیت‌شوندگان

وصیت‌کننده نیز موظف به رعایت موارد زیر درباره‌ی خویشاوندان خود است:

- ۱- عدم تبعیض ناروا در وصیت بین فرزندان یا دیگر نزدیکان.
- ۲- عدم وصیت بیش از ثلث مال؛ بلکه سفارش شرع این است که جهت حفظ حقوق وارثان شرعی، کمتر از ثلث وصیت کند.
- ۳- عدم بخشش تمام اموال خود به دیگران یا امور خیر، به هنگام فوت یا نزدیک شدن آن، و احترام به حق بهره‌مندی خویشان از ارثیه.
- ۴- در نظر گرفتن منابع مالی جهت مواردی که به آن وصیت می‌کند، تا ورثه برای انجام آن به زحمت نیفتند.
- ۵- عدم وصیت به امور فتنه‌انگیز و اختلاف‌افکن.

- ۶- عدم تعیین تکلیف برای افرادی که سرپرستی آنها را بر عهده نداشته است.
- ۷- عدم محدود نمودن افراد تحت سرپرستی خود در اموری که هر فرد حق انتخاب و آزادی عمل در آن را دارد.



وصیت‌های باطل

- ۱- وصیت بیش از ثلث مال (مگر ورثه به آن راضی شوند و اجازه دهند).
- ۲- وصیت به انجام کار حرام یا کاری که موجب ظلم و تضییع حق شود.
- ۳- وصیت به اموری که در حدود اختیارات متوفی نبوده و دخالت در اموال یا امور دیگران محسوب می‌شود.



بیندیشید و پاسخ دهید

- ۱- وصیت به محروم نمودن برخی از فرزندان از ارث چه حکمی دارد؟
- ۲- مثال‌هایی شایع از وصیت‌های بدون اعتبار (باطل) را بیان کنید.

ارث

لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ

مردان از آنچه پدر و مادر و
خویشاوندان (پس از مرگ خویش)
برجای گذاشته‌اند سهم دارند

وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ

و زنان (نیز) از آنچه پدر و مادر
و خویشاوندان به‌جا می‌گذارند
سهمی دارند؛

چه کم باشد و چه زیاد؛
سهمی مشخص و حتمی است.

مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ
نَصِيبًا مَّفْرُوضًا

● درس پیش دربارهٔ وصیت بود. اینک با گوشه‌ای از احکام ارث آشنا می‌شویم.

اصطلاحات مبحث ارث

مُتَوَفَّى : فرد فوت شده

مُورَث : فرد متوفی که دیگران از او ارث می‌برند.

وارث : فردی که از متوفی ارث می‌برد.

وَرَاث : جمع وارث؛ به آن «وَرَثَه» نیز می‌گویند. کسانی که ارث می‌برند.

ماترک : اموال باقیمانده از متوفی (پس از کسر دیون و سایر مخارج). همچنین «ارثیه»،

«تَرَک»، و «ارث» نیز به آن می‌گویند.



قانون ارث در اسلام

{انتقال یافته از درس وصیت} مناسب‌ترین روش حفظ دسترنج افراد و رعایت حقوق شخصی آنان پس از مرگ، انتقال اموال به خویشان درجه یک و تقسیم «عادلانه» میان آنان است؛ زیرا «عزیزترین» اشخاص برای هر انسان و «دلسوزترین» افراد در حفظ دسترنج او اعضای خانواده او می‌باشند و دارایی انسان، دارایی خانواده نیز محسوب می‌شود. اطلاع از قانون اسلام در مورد ارث و انتقال دارایی انسان به بستگان نزدیک علاوه بر آرامش روحی فرد و اطمینان از هدر نرفتن تلاش‌هایش موجب استحکام پیوند خویشاوندی نیز می‌گردد.



فواید تعلق یافتن ارثیه به اقوام نزدیک را بیان نمایید.

کیفیت تقسیم ارث

اموال متوفی، مطابق قانون الهی، و نه خواست و سلیقه او، بین خویشاوندان وی تقسیم می‌گردد. طبق قانون اسلام، متوفی نمی‌تواند تمام ارث را به شخص خاصی اختصاص دهد و یا برخی از بستگان را از ارث محروم کند. متوفی قبل از مرگ خویش می‌تواند حداکثر تا یک سوم از ماترک خویش را آن‌طور که صلاح می‌داند وصیت نماید، اما نسبت به دوسوم باقیمانده هیچ حقی ندارد و مطابق قانون الهی تقسیم می‌گردد.

تقسیم ارث، پس از کسر هزینه‌های کفن و دفن و پرداخت دیون مالی میّت انجام می‌شود. این بدهی‌ها عبارت‌اند از: دیون شرعی، مانند: خمس، زکات، کفارات روزه، هزینه حج نیابتی در صورتی که حج بر وی واجب بوده است، و بدهی مالی به افراد و سازمان‌ها.

پس از پاک شدن مال از دیون شرعی و بدهی به مردم، نوبت به انجام وصیت متوفی می‌رسد؛ اگر متوفی وصیت مالی کرده باشد، به آن وصیت حداکثر تا ثلث ترکه عمل می‌شود. و اگر بیش از ثلث باشد، در صورت رضایت ورثه، به مازاد نیز عمل می‌شود. سپس باقیمانده اموال، مطابق قانون الهی بین وراثت تقسیم می‌گردد.



وارثین عادی

افرادی که به طور معمول از انسان ارث می‌برند عبارت‌اند از: پدر، مادر، فرزند، همسر که سهم هر یک به شرح زیر است:

۱- همسر (زوج): یک چهارم ارثیه از ماترک؛ و در صورتی که زن فرزندی نداشته باشد، یک دوم آن به شوهر می‌رسد.

۲- همسر (زوجه): یک هشتم ارثیه ماترک؛ و در صورت نداشتن فرزند، یک چهارم آن به زن می‌رسد.

۳- پدر و مادر: هر کدام یک ششم ماترک را به ارث می‌برند.

۴- فرزندان: پس از آنکه سهم پدر، مادر و همسر، از ارث مشخص شد، مابقی بدین صورت بین فرزندان تقسیم می‌گردد: پسر «دو سهم»، دختر «یک سهم».

مثال تقسیم ارث

مسئله: مردی از دنیا رفته و ماترک او پس از پرداخت دیون و ثلث اموالش که وصیت کرده است، دوازده میلیون تومان می‌شود. ورثه او عبارت‌اند از: پدر، مادر، همسر، دو پسر و یک دختر. سهم الارث هر یک را به دست آورید.

پاسخ:

$$۱۲,۰۰۰,۰۰۰ \times \frac{۱}{۶} = ۲,۰۰۰,۰۰۰ \quad \text{سهم پدر:}$$

$$۱۲,۰۰۰,۰۰۰ \times \frac{۱}{۶} = ۲,۰۰۰,۰۰۰ \quad \text{سهم مادر:}$$

$$۱۲,۰۰۰,۰۰۰ \times \frac{۱}{۸} = ۱,۵۰۰,۰۰۰ \quad \text{سهم همسر(زوجه):}$$

کل سهم فرزندان (مابقی):

$$۱۲,۰۰۰,۰۰۰ - (۲,۰۰۰,۰۰۰ + ۲,۰۰۰,۰۰۰ + ۱,۵۰۰,۰۰۰) = ۶,۵۰۰,۰۰۰$$

با توجه به اینکه نسبت سهم فرزندی پسر، «دو» و نسبت سهم فرزندی دختر «یک»

است، مجموع سهم فرزندان پنج سهم می‌شود:

مجموع سهم‌ها : $5 = 1 \text{ (دختر)} + 2 \text{ (پسر)} \times 2$

مبلغ یک سهم (سهم فرزند دختر) : $1,300,000 = 6,500,000 \div 5$

سهم هر فرزند پسر : $2,600,000 = 2 \times 1,300,000$

تمرین

مادری از دنیا رحلت نموده و ما ترک وی، پس از جدا نمودن سایر مخارج و ثلث خیریه، شش میلیون تومان است. وارث‌های او عبارت‌اند از : همسر، یک فرزند پسر و سه فرزند دختر. سهم ارث هر کدام را به دست آورید.

طبقات ارث

وارثان به طور کلی به سه گروه تقسیم می‌شوند که هر گروه، «طبقه» نام دارد. تا زمانی که از هر طبقه حتی یک نفر وجود داشته باشد، نوبت به طبقه بعد نمی‌رسد. طبقه نخست عبارت است از : پدر، مادر و فرزندان متوفی. در صورت فوت تمام فرزندان، نوادگان به جای آنها ارث می‌برند.

طبقه دوم تشکیل شده است از : پدربزرگ، مادربزرگ، خواهر و برادر. و در صورتی که هیچ‌کدام از خواهران یا برادران میت زنده نباشند، فرزندان نشان جایگزین می‌شوند.

طبقه سوم متشکل از : عمو، عمه، دایی و خاله، و در صورت فوت همه، فرزندان آنهاست.

* تذکر : همسر جزء طبقه خاصی نیست و همراه همه طبقات ارث می‌برد.

چند مثال :

۱- اگر برخی فرزندان متوفی قبل از فوت وی از دنیا رفته باشند و هنگام فوت فقط یک فرزند پسر زنده باشد، همه ماترک به او تعلق می‌گیرد و به وراثت فرزندان فوت شده یا نوه‌ها سهمی تعلق نمی‌گیرد.

۲- اگر میت (زن) صاحب فرزند نباشد و جز شوهر وی، فقط مادرش از طبقه اول زنده باشد، به

شوهر $\frac{1}{4}$ از ماترک و به مادر $\frac{1}{4}$ از ماترک را می‌دهند. $\frac{1}{4}$ باقیمانده نیز به مادر تعلق می‌گیرد.

۳- اگر از میت فقط دو نوه و چند خواهر باقی باشند، ارثیه بین نوادگان تقسیم می‌شود و به خواهران سهمی نمی‌رسد.



چند نکته :

- * کافر از مسلمان ارث نمی‌برد، حتی اگر جزو افراد طبقه نخست باشد.
- * اگر قاتل میت، جزو ورثه مقتول باشد، از او ارث نمی‌برد؛ مگر آنکه قتل از روی عمد نباشد.
- * در صورتی که متوفی درباره فردی که به طور قانونی از وی ارث می‌برد، وصیتی از ثلث مالش کرده باشد، این فرد دوبار ارث می‌برد: ابتدا طبق وصیت و سپس طبق قانون ارث.
- ❖ **توجه :** مسائل تقسیم ارث، مبحثی مفصل و دقیق است و تبصره‌های متعددی دارد. در این درس جهت آشنایی شما عزیزان، تنها مواردی از آن ذکر شد و شما می‌توانید در صورت نیاز یا تمایل، از کتاب‌های مفصل‌تر فقهی در این زمینه یا اساتید فن کمک بگیرید.

تفاوت سهم مردان و زنان

در دین اسلام، مردان مسئول تأمین هزینه‌های افراد تحت تکفل خود هستند. زنان نیز می‌توانند در اجتماع، به کار و کسب بپردازند، ولی وظیفه‌ای نسبت به تأمین هزینه‌های زندگی ندارند و درآمدشان در اختیار خودشان است. بنابراین، در قوانین اسلامی، سهم ارث آنان نصف مردان تعیین شده است؛ البته این به معنای نصف شدن بهره زن نیست؛ زیرا گرچه مردان دو سوم دارایی را به ارث می‌برند و زنان فقط یک سوم، ولی سهم مردان نیز در زندگی مشترک در اختیار آنان قرار می‌گیرد؛ لذا این تقسیم ارث، عادلانه‌ترین روش تقسیم ارث است.

ممکن است گفته شود برخی از زنان یا مردان ممکن است ازدواج نکنند یا گاهی هزینه زندگی بر عهده زن می‌افتد (مانند زنان بی‌سرپرست و یا بی‌شوهر)؛ پاسخ این است که قوانین الهی همانند تمام قانون‌ها هماهنگ با نیاز غالب افراد جامعه تنظیم می‌شود نه بر اساس استثنایها، و در اسلام اصل بر این است که افراد ازدواج کنند و مرد نیز مسئول پرداخت خرجی همسر و فرزندان می‌باشد.

نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است سهم زنان همیشه نصف مردان نیست؛ بلکه در برخی موارد مساوی و حتی بیشتر از مرد است؛ سهم مادر با پدر یکسان است،

سهم دختر (تک فرزند) بیشتر از پدر می‌باشد و

با کمک متن بالا به این پرسش‌ها پاسخ دهید :

- ۱- چرا در اسلام سهم ارث دختران کمتر از پسران تعیین شده است؟ حکمت این امر چیست؟
- ۲- برخی از مواردی را که سهم ارث زنان همانند سهم مردان است نام ببرید.

بهترین ارث

امام علی(علیه السلام) : خَيْرُ مَا وُرِّثَ الْآبَاءُ الْآبْنَاءُ الْأَدْبُ.

غررالحکم، ص ۳۵۹

بهترین چیزی که پدران برای فرزندان به ارث می‌گذارند، است.

احکام کسب و کار

عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ :
 امیر المؤمنین (علیه السلام)
 سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ^(ع) يَقُولُ عَلَى الْمِنْبَرِ : نقل می کند که امیر المؤمنین بر
 فراز منبر می فرمود :
 يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ،
 ابدا فقه را بیاموزید، سپس به کسب و
 الفِقْهَةُ نُمُّ الْمَتَجَرِّ،
 کار و تجارت پردازید.
 ابدا فقه را بیاموزید، سپس به کسب و
 الفِقْهَةُ نُمُّ الْمَتَجَرِّ،
 کار و تجارت پردازید.
 ابدا فقه را بیاموزید، سپس به کسب و
 الفِقْهَةُ نُمُّ الْمَتَجَرِّ،
 کار و تجارت پردازید.
 وَ اللَّهُ لَلرِّبَا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ
 این امت،
 أَخْفَى مِنَ ذَبِيبِ النَّمْلِ عَلَى الصَّفَا'.
 پنهان تر از حرکت مورچه بر سنگ
 سیاه است.

● در ادامه مباحث اقتصادی، در این درس با احکام داد و ستد آشنا می شویم.

دیدگاه اسلام نسبت به کسب و کار

تلاش برای روزی حلال، در دین اسلام، عبادت محسوب می شود و افرادی که برای رفع نیاز خانواده از آسایش خود می گذرند، «مجاهد در راه خدا» به شمار می روند : **الكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ مِنْ حَلَالٍ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ**.^۲

۱- الکافی، ج ۵، ص ۱۵۰
 ۲- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهُ، ج ۳، ص ۱۶۸.

مالک حقیقی تمام عالم، خداوند است. انسان‌ها مالک «اعتباری» اموال خود هستند و وظیفه دارند که به طور صحیح از آنها استفاده کنند نه اسراف کنند و نه بخل بورزند، و نه از مقصد اصلی خویش و یاد خدا غافل شوند: **رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ**^۱.



انواع داد و ستد در اسلام

هر نوع داد و ستدی بر دو گونه است: صحیح یا باطل. قرارداد صحیح، قراردادی است که طبق شروط لازم در اسلام منعقد شده باشد، و در نتیجه، مالکیت کالا از فروشنده به خریدار و مالکیت پول (=ثمن) از خریدار به فروشنده منتقل گردد. باطل بودن قرارداد به معنای «عدم انتقال مالکیت کالا و ثمن، بین فروشنده و خریدار» است؛ در این صورت، خریدار باید کالا را به فروشنده بازگرداند، و فروشنده ملزم به پرداخت مبلغ دریافتی است. توجه داشته باشید که باطل بودن قرارداد، همیشه به معنای حرام بودن آن نیست؛ البته اگر پس از آگاهی از بطلان قرارداد، یکی از دو طرف از بازگرداندن مال خودداری کند، «غصب» محسوب شده و مرتکب حرام شده است. داد و ستد از نظر نوع کالا و شرایط، انواع مختلفی دارد که در این کتاب با چند نوع رایج آن، مانند بیع، اجاره و مضاربه آشنا خواهید شد.



خرید و فروش (بیع)

«بیع» قراردادی دوجانبه میان خریدار (مشتري) و فروشنده (بایع) است که بر طبق آن، تبادل کالا و مبلغ آن، همراه با رضایت و موافقت دو طرف صورت می‌گیرد. این پیمان در معاملات با ارزش، مانند خرید مسکن و خودرو به صورت کتبی، و در معاملات کم‌ارزش مانند خرید مایحتاج منزل به صورت شفاهی یا **مُعاطات** انجام می‌پذیرد.

امروزه بیشتر داد و ستدهای مردم به صورت «معامله» صورت می‌گیرد، یعنی دو طرف معامله بدون آنکه چیزی بنویسند یا بگویند، کالا و پول را مبادله می‌کنند.

خرید و فروش کالا (=مبیع)، بر حسب زمان تحویل کالا و زمان پرداخت مبلغ، سه گونه است:

نقد: تحویل کالا و پول، به صورت هم‌زمان

نسیه: تحویل کالا در زمان انعقاد قرارداد، و پرداخت مبلغ در زمان آینده.

سَلَف (پیش خرید) : پرداخت مبلغ کالا در زمان انعقاد قرارداد و تحویل کالا در زمان آینده.
اینک به بررسی شرایط صحت داد و ستد می‌پردازیم :
الف) شرایط خریدار و فروشنده : هر یک از دوطرف باید شرایط زیر را هنگام خرید و فروش داشته باشند، وگرنه بیع باطل است :

- ۱- عقل : پس داد و ستد با سفیه یا دیوانه صحیح نیست.
 - ۲- بلوغ : داد و ستد با بچه باطل است، مگر در کالاهای کم‌ارزش و با کودکان ممیز.
 - ۳- مالکیت : بنابراین فروختن اموال دیگران بدون اجازه آنان، موجب انتقال مالکیت نمی‌شود.
 - ۴- قصد جدی : پس اگر یکی از دو طرف قصد شوخی داشته باشد قرارداد منعقد نمی‌شود.
 - ۵- اختیار : بنابراین، اگر کسی را مجبور به خرید یا فروش کنند، معامله صحیح نیست.
- ب) شرایط فسخ خرید و فروش :** پس از تبادل کالا و پول هیچ‌کدام از دوطرف بدون رضایت و توافق دیگری، حق بر هم‌زدن معامله را ندارند، مگر در مواردی که ذکر خواهد شد؛ البته در صورت پشیمان شدن یکی از دوطرف و درخواست از طرف مقابل، قبول این درخواست و پس‌گرفتن قرارداد (إقالة)، از مستحبات مورد سفارش است.

امام صادق (علیه السلام) :
هر مسلمانی کالای فروخته شده را از خریدار پشیمان پس بگیرد، خداوند سبحان در روز قیامت اشتباهات او را نادیده می‌گیرد.
کافی، ج ۵، ص ۱۵۳

در موارد زیر می‌توان قرارداد را یک‌جانبه فسخ نمود :

- ۱- قبل از خروج دوطرف از محل معامله.
- ۲- ضرر و زیان قابل توجه یکی از دوطرف بر اثر بی‌اطلاعی یا فریب خوردن.
- ۳- معیوب بودن کالا؛ در این صورت، مشتری پس از اطلاع، یکی از سه کار را می‌تواند انجام دهد : فسخ و پس‌دادن کالا، رضایت دادن به همان کالای معیوب بدون دریافت مابه‌التفاوت، دریافت مابه‌التفاوت (أُش).
- ۴- شرط فسخ در ضمن قرارداد، از سوی یکی از دوطرف.
- ۵- تأخیر بیش از سه روز در تحویل کالا.
- ۶- منافات داشتن وضعیت کالای تحویلی با مشخصات وصف شده.



با توجه به شرایط مشتری و بائع :

خرید و فروش با سفیه است، همین طور با نوجوان نابالغ
داد و ستد نمود، مگر در مورد کالاهای اگر یک نفر کالایی را بدون
رضایت صاحبش به فروش رساند، چنین داد و ستدی صحیح ، اما اگر
پس از تبادل کالا و پول آن، صاحبش راضی شود آن داد و ستد است و
بیع نام دارد.

خرید کالا با پول غصبی است. اگر فرد به شوخی کالای خود را
بفروشد و مشتری نیز بداند، پس از تبادل کالا و مبلغ، مشتری حق آن را پس
ندهد. اگر پس از فروش زمین معلوم شد وقفی بوده، فروشنده پول گرفته شده
را به خریدار شخصی که بدون اختیار و از روی و تهدید،
مجبور به کالای خود به شخص ثالث شده، می تواند با مراجعه به خریدار و
..... مبلغ دریافتی، کالای خود را بگیرد؛ در این صورت خریدار به
سبب انعقاد قرارداد رسمی، حق از پس دادن کالا امتناع نماید.

۱- در صورتی که خریدار حق فسخ داشته باشد، فروشنده ملزم به قبول آن و
پس دادن مبلغ دریافتی و در صورت استنکاف از آن، مرتکب شده
و پول دریافت شده، حکم مال را دارد.
۲- در صورتی که پس از اتمام قرارداد و تبادل کالا، مشتری شرط فسخ کند،
عمل به آن لازم و فروشنده حق مبلغ را پس
.....

بیندیشید و پاسخ دهید



- ۱- ضرر انجام بیع باطل، متوجه کدام یک از دو طرف می شود؟
- ۲- چرا رضایت دو طرف برای انجام بیع کافی نیست؟
- ۳- حکمت بطلان خرید و فروش با نابالغ چیست؟
- ۴- در صورتی که فروشنده از پذیرش حکم فسخ امتناع نماید وظیفه خریدار چیست؟

معاملات حرام

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: رَسُولُ خِذَا فَرَمُودَنْدُ:
عِبَادَةُ هَفْتَادِ جُزْءٍ دَارِدُ
أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَلَالِ.^۱
که برترین آن، کسب حلال است.

● در درس قبل با شرایط صحت و احکام خرید و فروش آشنا شدیم. در این درس با کسب و کارهای حرام آشنا می‌شویم.

اهمیت کسب حلال

کار و تلاش برای تأمین نیازهای زندگی مورد سفارش اسلام است، اما باید از راه راست و به شکل حلال باشد؛ زیرا خوردن مال حرام انسان را از مسیر دین خارج می‌سازد و او را بنده پول و دنیا می‌گرداند. حتی اگر نماز بخواند و روزه بگیرد یا حج برود، کارهای عبادیش نیز قبول نمی‌شود؛ زیرا لباس و مکان نمازگزار و هزینه سفر حج باید از مال حلال باشد؛ لذا رسول خدا در روایت بالا فرمودند: کسب حلال مهم‌ترین عبادت است.

انواع معاملات وام

۱- خرید و فروش مطالب گمراه‌کننده و باطل: شامل کتب، نشریات، نرم‌افزار، فیلم‌ها و

۱- کافی، ج ۵، ص ۷۸

دیگر محصولات فرهنگی که موجب شک در اعتقادات دینی گردد و نیز مطالب منحرف‌کننده فکری یا اخلاقی که منجر به بی‌توجهی یا سهل‌انگاری نسبت به دین و احکام آن شود.



مطالعه کتاب‌های انحرافی از روی کنجکاوی چه خطراتی دربردارد؟ راه معقول برای آگاهی از افکار مختلف و نقد آنها چیست؟

۲- شعبده‌بازی، سحر و مانند آن: کافران، پیامبران را ساحر معرفی می‌کردند و معجزه را نوعی تردستی یا جادوگری می‌پنداشتند. اسلام جهت جلوگیری از سوء استفاده افراد فرصت‌طلب در فریب مردم، یا القای شک و تردید در باورهای آنان، شعبده‌بازی و جادوگری را ممنوع کرده و درآمد حاصله از انجام یا آموزش آن را حرام کرده است. غیر از شعبده‌بازی که امروزه بیشتر برای سرگرم کردن مردم استفاده می‌شود، اموری مانند «سحر» که با انجام اعمال شیطانی، در جسم و روح شخص سحر شده اثر می‌گذارد و موجب تغییر در وضعیت روحی و رفتاری وی می‌گردد از نظر اسلام حرام است.



تفاوت دعا خواندن را با برخی اعمال توصیه شده از سوی شیادین برای دفع گرفتاری‌ها مقایسه کنید.

۳- وسایل غیر مجاز فرهنگی: تولید، توزیع و خرید و فروش آلبوم‌های موسیقی غیرمجاز و فیلم‌های مبتذل و مستهجن حرام است. همچنین انتشار غیرقانونی محصولات مجاز، جایز نیست.



معیار تشخیص مجاز یا غیرمجاز بودن یک کالای فرهنگی چه مرجعی است؟

۴- ابزار و آلات قمار، ماهواره و دیگر ابزار مشترک غالب در حرام: برخی وسایل، اختصاص به استفاده در کار حرام دارند؛ مانند آلات قمار، و برخی مشترک اند. خرید و فروش ابزار مشترک به افرادی که قصد استفاده حرام از آن را دارند «گناه» محسوب می‌شود؛ مانند فروش انگور به کسی که قصد تولید شراب از آن دارد. خرید و استفاده از وسایلی که معمولاً استفاده غیر حلال از آنها می‌شود، حتی به قصد استفاده حلال از آن نیز جایز نیست؛ مانند ظروف مخصوص مشروبات الکلی یا ابزارهایی مانند فیلترشکن اینترنت، و دریافت کننده ماهواره که چون می‌تواند موجب انحراف خانواده و فرزندان شود، بنابر فتوای مراجع تقلید حرام است.



- ۱- کدام خصوصیت در برنامه‌های ماهواره‌ای، مانع استفاده از آن حتی به قصد مشاهده برنامه‌های سالم آن می‌شود؟
- ۲- راه‌های صحیح بهره‌مندی از اطلاعات روز جهان و مشاهده برنامه‌های سالم رسانه‌ها چیست؟

۵- تقلب در کالا یا پول، و غش در معامله: از دیگر موارد معاملات حرام، فریب مشتری یا خریدار است؛ غش در داد و ستد به معنای آمیخته کردن جنس نامرغوب با مرغوب، بدون اطلاع مشتری است؛ مانند اضافه کردن آب در شیر، آمیختن برنج بد با خوب، مخلوط کردن روغن نباتی با روغن حیوانی.

۶- خرید و فروش مواد حرام و نجس: شامل گوشت خوک، گوشت مردار، گوشت‌های ذبح‌شده به طریقه غیراسلامی و مشروبات الکلی. خرید و فروش خون جهت استفاده در مصارف پزشکی و نجات جان بیماران، جایز است. همین‌طور خرید و فروش (و نگهداری) سگ نکهبان یا شکاری جایز است.

۷- ربا: معاملات ربوی، در قرآن و روایات، از شدیدترین گناهان کبیره است. ربا به معنای زیادی، و در اصطلاح عبارت است از دریافت بیش از حق خود در داد و ستد یا قرض. همان‌طور که گرفتن ربا از دیگران حرام است، قبول قرارداد ربوی و دادن ربا نیز با هر توجیه یا بهانه‌ای، حرام است.

«ربا» برخلاف نامش، نه تنها موجب زیاد شدن دارایی انسان نمی‌گردد؛ بلکه به اراده خداوند، نابود می‌شود و از بین می‌رود: «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ».^۱ در روایتی از امام صادق (ع) درباره این آیه پرسیدند: «چگونه است که گاهی می‌بینیم کسی که ربا می‌خورد مالش افزایش می‌یابد؟!» و امام (ع) پاسخ فرمودند: «و کدام نابودی بالاتر از نابود کنندگی یک درهم ربا؟! دین او را نابود می‌سازد و اگر عملش را ترک نکند و توبه ننماید، دارایی‌اش از بین می‌رود و فقیر می‌شود».^۲

نابودی و ویرانگری از آثار جدایی‌ناپذیر «ربا» است همچنان‌که برکت و نمو، از اثرات لاینفک «صدقه» و «خمس» است. پس «ربا» هر چند نامش ربا (زیادی) است، ولی «از بین رفتنی» است، و صدقه هر چند که نامش را زیادی نگذاشته باشند، زیاد شدنی است. لذا در آیه فوق، وصف ربا (یعنی زیاد شدن) را از ربا می‌گیرد و به صدقه (به معنای زکات) می‌دهد، و ربا را به گونه‌ای که ضد اسم او است توصیف می‌کند.

آثار زیانبار ربا در جامعه

خداوند در قرآن با لحن شدیدی اعلام می‌دارد: «و اگر دست از رباخواری برنمی‌دارید، بدانید به جنگ با خدا و فرستاده او برخاسته‌اید» (بقره، ۲۷۹). خداوند در آیات مربوط به ربا (آیات ۲۷۵ تا ۲۷۹ بقره) چنان شدتی به کار برده است که درباره هیچ گناهی، جز پذیرفتن سلطه دشمنان دین، به کار نبرده است؛ چرا که آثار زیانبار ربا، اساس دین و زندگی انسانی را از بین می‌برد؛ رباخوار با گرفتن پول بلاعوض از دیگران، خون فقیران را در شیشه می‌کند و با افزایش روزانه ثروت خود، به اختلاف طبقاتی و دشمنی دامن می‌زند، و با از بین بردن روحیه شفقت و مهربانی باعث تشدید اختلاف و ناامنی در جامعه و ترویج مادی‌گرایی می‌شود.

فرد رباخوار به جای کار و تلاش برای تولید، تهیه و توزیع کالا در میان جامعه، و شرکت در سود و زیان ناشی از تجارت، با سرمایه‌ای که در دست وی به امانت است و وظیفه دارد آن را به نفع خود و جامعه خویش صرف نماید، مبادرت به سوء استفاده کرده

۱- خداوند خیر و برکت ربا را می‌ستاند و آن را به سوی نابودی سوق می‌دهد، ولی صدقات را افزایش می‌دهد. (سوره بقره، آیه ۲۷۶)

۲- وسایل الشیعه ج ۱۸، ص ۱۱۹

و به هنگام احتیاج دیگران به آن سرمایه، زیادتز از آنچه را می‌دهد طلب می‌کند. انسان رباخوار به ثروت‌اندوزی می‌پردازد و افراد ضعیف روز به روز فقیرتر گشته و این امر موجب سلطه‌ی وی بر مردم می‌گردد. از یاد نبرده‌ایم کشورهای فقیری را که در استقراض از دولت‌های استعماری غرق شده‌اند و توان بازپرداخت بدهی خود و بیرون آمدن از سلطه‌ی بیگانگان را پیدا نمی‌کنند.

انواع ربا

ربا بر دو گونه است: ربا در داد و ستد، و ربای قرضی.

۱- ربا در داد و ستد: عبارت است از مبادله دو کالا از یک جنس، همراه با دریافت مقدار اضافی؛ مانند معاوضه یک کیلو برنج اعلا با دو کیلو برنج عادی، یا تعویض بیست گرم طلای دست دوم با ده گرم طلای نو. حرمت ربا در جایی است که کالا در برابر کالا قرار گیرد، اما اگر هر کدام از کالاها در برابر پول معامله شود و جداگانه قیمت‌گذاری و خرید و فروش شود اشکالی ندارد.



۱- طرز صحیح تعویض طلای کارکرده با طلای نو را بیان کنید.

۲- ربای در قرض: عبارت است از قرض دادن به دیگری، به شرط دریافت مبلغی زیادتز؛ خواه به‌طور صریح شرط کنند، یا پرداخت قرض مبتنی بر آن باشد. این نوع ربا شدیداً حرام است.



برخی روش‌ها برای رهایی از ربا رواج یافته که به «کلاه شرعی» معروف‌اند، زیرا رهایی واقعی از ربا نیست و حرمت آن مبلغ اضافی را تصحیح نمی‌کنند. با استفاده از اطلاعات عمومی خود و یا مراجعه به کتاب‌های فقهی، چند نمونه از این راه‌ها را ذکر کنید. سپس راه‌حلی غیر از قرض دادن را بیابید که خالی از ربا باشد.



بیندیشید و پاسخ دهید



- ۱- تفاوت معاملات حرام را با باطل بیان کنید.
- ۲- فلسفه تحریم ربا در اسلام چیست؟
- ۳- تفاوت سود بانکی با ربا چیست؟

اصطلاحات اقتصادی اسلام (۱)

• در این درس با برخی اصطلاحات اقتصادی که در فقه اسلامی کاربرد دارد و دانستن آنها لازم است، به طور مختصر آشنا می‌شویم.

۱- آنفال

آنفال از لحاظ لغوی جمع نفل و به معنای بخشش است و در اصطلاح فقهی عبارت است از منابع طبیعی که در اختیار کشور و جامعه اسلامی قرار دارد؛ مانند جنگل‌ها و معادن و دریاها. این موهبت‌های خدادادی، اموال عمومی و مالکیت آن در اختیار حکومت اسلامی است تا در ضرورت‌های اجتماعی و مصالح جامعه به کار گرفته شود. نحوه استفاده از آن را پیامبر و جانشینان وی تعیین می‌کنند.



با مراجعه به تفاسیر قرآن درباره آیه نخست سوره آنفال تحقیق نموده و آن را به کلاس ارائه نمایید.



۲- وقف

وقف یعنی در راه خدا، مال خود را از ملکیت شخصی خارج و استفاده از آن را عمومی کنیم. وقف از کارهای پسندیده و سفارش شده است و به منظور کسب ثواب اخروی و به جا گذاشتن صدقه جاریه و استفاده عموم مردم یا گروهی خاص (مانند ایتم) است. خرید و فروش مال موقوفه ممنوع است و شرایط استفاده از آن بستگی به مفاد مندرج در وقف‌نامه دارد.

برخی چاه‌های حفر شده در مدینه که تا امروز باقی است، حاصل تلاش امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) است که آنها را در راه خدا وقف نموده تا پس از حیات خویش از ثواب «صدقه جاریه» بهره‌مند گردد.



چند موقوفه از شهر خود را نام ببرید.



۳- هبّه

هبه یا هدیه عبارت است از اینکه شخصی مال خود را به طور مجانی و بدون گرفتن عوض، به دیگری ببخشد و تملیک کند. هدیه دادن موجب افزایش محبت و رفع کدورت می‌گردد؛ لذا در دین اسلام به آن سفارش شده است.

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)

به یکدیگر هدیه دهید و محبت کنید؛ به همدیگر هدیه دهید که موجب رفع کینه و

کدورت می‌شود. (وسائل‌الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۸۷)

هدیه دادن به ویژه به خویشان و اقوام، بسیار سفارش شده و از موارد صلّه رحم است. پذیرفتن هدیه و رد نکردن آن نیز جزو تأکیدات اسلام است، اما پذیرش رشوه به نام هدیه جایز

نیست.



اگر پس از قول و قرار بخشش و قبل از تقدیم آن، یکی از دو طرف فوت کند، تکلیف آن مال چه می‌شود؟

عبارت

«شگفت‌آورتر اینکه شبانه کسی به دیدار ما آمد^۱ و ظرفی درپوشیده پر از حلوا همراه خود آورده بود؛ چنان از آن متنفر شدم که گویی آن را با بزاق ماری سمی مخلوط کرده‌اند! بدو گفتم: این هدیه است یا زکات یا صدقه؟ که زکات (صدقه واجب) بر ما اهل بیت حرام است. گفت: نه زکات است و نه صدقه، بلکه هدیه است! گفتم: زنان بچه‌مرده بر تو بگریند! آیا از راه دین خدا وارد شده‌ای تا مرا فریب دهی؟ یا عقلت آشفته شده و هذیان می‌گویی؟! به خدا سوگند اگر هفت اقلیم و آنچه زیر آسمان‌ها است را به من دهند تا درباره یک مور نافرمانی خداوند را به جا آورم و پوست جوی را از او بگیرم، چنین نخواهم کرد!»^۲



با توجه به عبارت فوق، چگونگی تشخیص هدیه را از رشوه بیان کنید.



۴- قرض

إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا
يُضَاعِفْهُ لَكُمْ
وَيَغْفِرْ لَكُمْ
وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ.

اگر به خداوند قرضی نیکو دهید،
آن را برایتان دو برابر ساخته
و شما را می‌آمزد؛
و خداوند بسیار سپاسگزار و بردبار است.
(سوره تغابن، آیه ۱۷)

قرض عبارت است از قراردادی که شخص در مقابل دریافت مال از قرض دهنده، پرداخت همان مال یا قیمت آن را به وی برعهده می‌گیرد. گره‌گشایی از کار دیگران و قرض دادن به کسی که نیازمند آن باشند، مورد سفارش اسلام و دارای اجر فراوان است. البته قرض گرفتن از دیگران در

۱- وی اشعث بن قیس بود که فردای آن روز قرار بود به پرونده وی در دادگاه رسیدگی شود.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴.

صورت عدم ضرورت، مکروه و ناپسند است.



با مراجعه به تفاسیر قرآن، خصوصیاتِی را که موجب حسنه بودن قرض می‌گردد، بیان نمایید.

قرض دادن به دو صورت است: «مدت دار» و «بدون مدت». در قرض «مدت دار» زمان پرداخت بدهی تعیین می‌گردد برخلاف «بدون مدت» که در آن زمان پرداخت قید نشده است. قرض‌گیرنده موظف است با فرا رسیدن زمان پرداخت بدون هیچ عذری بدهی خود را بپردازد. البته اگر هنگام سررسید بدهی، بدهکار تنگدست باشد، طلبکار باید به وی مهلت دهد تا بدهکار توان بازپرداخت بدهی را پیدا کند.

مستحب است بدهکار مبلغی مازاد بر آنچه قرض گرفته برگرداند و گرفتن این پول برای قرض‌دهنده، در صورتی که از ابتدا شرط نکرده باشند، جایز است. اما اگر قرض‌دهنده شرط کند که بیش از آن مقدار که پرداخت کرده دریافت کند، حتی اگر مقدار آن را مشخص نکند، ربا و از گناهان کبیره است.



از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نقل شده است که فرمود:
«کسی که به برادر مسلمان خود قرض دهد برای هر دره‌می، حسنه‌ای همسنگ کوه اُحُد دارد. و اگر در مطالبه قرض، با وی مدارا کند او را بدون حساب از پل صراط عبور می‌دهند.
و اگر کسی برادر مسلمانش نزد او از تهی‌دستی شکایت کند و او به وی قرض ندهد، خدای تعالی در روزی که پاداش نیکوکاران را می‌دهد او را از بهشت محروم می‌سازد».

تحریر الوسیله حضرت امام خمینی، ج ۳

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که:

«بر سر در بهشت نوشته است: صدقه دادن ده ثواب و قرض دادن هجده ثواب

کنز العمال ج ۶، ص ۲۱۸

دارد.»



قرض دادن علاوه بر رفع مشکلات اقتصادی افراد ممنوع موجب برطرف شدن غم و اندوه آنها و حفظ آبروی نیازمندان می شود و به این طریق موجب تقویت اتحاد بین افراد جامعه احساس رضایت از زندگی می گردد.



۵- رهن

رهن قراردادی است که مطابق آن، طلبکار از بدهکار چیزی را گرو می گیرد و تا زمان دریافت طلبش آن را به امانت نزد خود نگهداری می کند؛ مانند اینکه بانک در قبال پرداخت وام، سند منزل را گرو بگیرد و نزد خود نگاه دارد. این کار موجب اطمینان از پرداخت بدهی می گردد. گروگیرنده حق ندارد بدون اجازه گروگذار در رهن تصرف کند.

برای مطالعه

امروزه اصطلاح رهن به نوعی اجاره نیز گفته می شود که مستأجر به جای پرداخت اجاره ماهیانه، مقداری پول را به عنوان رهن نزد صاحبخانه امانت گذاشته و در آخر سال آن را دریافت می کند. این نوع اجاره به شرطی صحیح است که مبلغی را نیز، به عنوان اجاره ماهیانه تعیین کنند و مبلغ رهن را به عنوان قرض الحسنه و در قالب شرط ضمن عقد اجاره به موجر تسلیم کنند.

۶- اجاره

عقدی است که مطابق آن، حق بهره برداری از منافع کالا یا کار انسان، در مدت مشخص، به شخص دیگر واگذار شده و در قبال آن، مبلغ معینی دریافت می گردد. اجاره بر دو نوع است: ۱- منافع کالا؛ مانند اجاره ملک، ماشین و مانند آن. ۲- کار و تلاش انسان؛ مانند استفاده از خدمات کارمندان

و کارگران. در نوع اول، اجاره‌دهنده را «موجر» و اجاره‌کننده را «مستأجر» می‌نامند و در نوع دوم، کارگر یا کارمند را «مستخدم» و قرارداد اجاره را «استخدام» نیز می‌گویند. عقد اجاره نیز شرایط و احکام خاصی دارد.



بیندیشید و پاسخ دهید



- ۱- در حال حاضر اختیار انفال در دست کیست؟
- ۲- تغییر در مصرف موقوفه منوط به تحقق چه شرایطی است؟ چند مثال بزنید.
- ۳- علت برتری قرض دادن نسبت به صدقه و کمک مالی چیست؟
- ۴- برتری‌های رهن گرفتن را بر اخذ چک، سفته و ضامن برشمارید.
- ۵- اگر یکی بگوید: «شما قرض بدهید، بنده هم حتماً به نوعی جبران می‌کنم» آیا ربا محسوب

می‌شود؟

اصطلاحات اقتصادی اسلام (۲)

● در درس پیشین با برخی اصطلاحات اقتصادی آشنا شدیم. در این درس با برخی دیگر آشنا می‌شویم.

۷- وکالت

وکالت عبارت است از قراردادی که مطابق آن، انجام برخی از کارهای خود را به دیگری واگذار کنیم. مانند اینکه کسی را مأمور فروش منزل خود کنیم تا از طرف ما خانه را به قیمت مناسب بفروشد. او «وکیل» ماست و به ما که اختیار قانونی برای تصمیم‌گیری را به او داده‌ایم «موکل» می‌گویند. این نوع قرارداد می‌تواند کتبی یا شفاهی باشد. اختیارات «وکیل» مطابق توافق بین او و «موکل» است و نباید از آن تخطی کند؛ یعنی موکل نیز هر زمان که بخواهد می‌تواند وکیل را عزل نماید.



با کمک دبیر خود، مواردی از کاربردهای رایج وکالت را در زندگی روزمره نام

ببرید.



۸- مضاربه

برخی توانایی کار دارند، ولی سرمایه ندارند، برخی نیز سرمایه دارند، ولی امکان یا توان کار ندارند. مضاربه عبارت است از قرارداد همکاری بین دو نفر به گونه‌ای که یکی عهده‌دار سرمایه و دیگری عهده‌دار کار می‌شود و سود و زیان میان آن دو به نسبتی که توافق می‌کنند تقسیم می‌گردد.

❖ توجه: از آنجا که میزان سود در فعالیت‌های اقتصادی نامعلوم است، طرفین باید چگونگی تقسیم سود را به صورت درصدی از سود نهایی تعیین نمایند و اگر مبلغ مشخصی را به عنوان سود تعیین کنند، ربا می‌شود.



تفاوت این دو قرارداد را با یکدیگر بیان کنید و علت ربا بودن قرارداد دوم را توضیح دهید؟



۹- صلح

در امور روزانه و داد و ستدها گاهی ابهام یا اختلاف نظر پیش می‌آید و تعیین حق طرفین دشوار یا غیرممکن می‌شود. در این موارد بهترین راه، «مصالحه» و رضایت طرفینی است؛ به این صورت که هر دو طرف در مورد انتقال مالکیت، یا حق استفاده از کالا، به یک توافق برسند و حق احتمالی خود را بیخشند و حلال کنند.

۱۰- ضَمَان

ضمان عبارت است از به‌عهده گرفتن بدهی فردی دیگر که اگر او پرداخت نکرد، ضامن پرداخت کند. مثل اینکه شما ضامن کسی شوید و به طلبکار بگویید: «من بدهی فلان شخص را که به شما بدهکار است ضمانت می‌کنم». در نتیجه، آن دین از ذمه بدهکار به ذمه ضامن منتقل می‌شود و او در صورت عدم پرداخت، بعد از پرداخت وجه الضمان، می‌تواند آن مقداری را که به طلبکار پرداخته از او مطالبه کند.



هر انسانی در قبال کارهای خود مسئول است و باید پاسخگو باشد. این مسئولیت در مواردی که مربوط به اموال یا حقوق دیگران (حق الناس) می‌شود شدیدتر است و بی‌توجهی به آن نتایج ناگواری در دنیا و آخرت به دنبال دارد.

هر کس بر اثر بی‌احتیاطی بر اموال دیگران خسارتی وارد کند مُلزم به پرداخت خسارت و در اصطلاح فقهی «ضامن» است؛ مثلاً اگر وسیله‌ای را به دوست خود عاریه دهید (به اصطلاح عرفی امانت دهید تا استفاده کند) و بر اثر اتفاق (و نه سهل‌انگاری) آسیبی به آن وارد آید حق گرفتن خسارت از دوست خود را ندارید! ولی اگر در مغازه کالایی را جهت مشاهده بردارید و از دستانتان به زمین بیفتد باید خسارت آن را پرداخت کنید . . . :



۱۱- لُقْطَه

لقطه به شیء پیدا شده‌ای گفته می‌شود که مالک آن مشخص نیست؛ مانند اشیای جامانده، یا مسروقه‌ای که در اماکن عمومی یا شخصی پیدا می‌شود. در صورت برداشتن، شخص ضامن نگهداری و رساندن آن به مالک اصلی خواهد بود.

در مواردی که برداشتن، آن شیء موجب تلف شدن آن شود، جایز است فرد مسلمان این مسئولیت را برای حفظ حقوق دیگر برادران دینی خود بر عهده گرفته و اقدام به نگهداری آن نماید. در این صورت وی موظف است تا یک سال به جست‌وجوی مالک آن کالا بپردازد و آن را در اماکن عمومی اعلان نماید. سپس در صورت پیدا نشدن صاحب آن، از طرف صاحبش آن را صدقه دهد یا نزد خود به امانت نگاه‌دارد یا اینکه برای خود بردارد به شرط اینکه اگر صاحبش پیدا شد به وی بدهد.



اگر پولی را پیدا کنید و صاحبش را شناسید چه می‌کنید؟ آیا انداختن آن در صندوق صدقه صحیح است؟



۱۲- جُعَالَه

نوعی قرارداد یک طرفه است که فرد متعهد می‌شود به هر شخصی که کار مورد نظر او را انجام دهد، پاداش معینی پرداخت کند.



مثال‌هایی در مورد جعاله ذکر کنید.



بیندیشید و پاسخ دهید

- ۱- تفاوت «وکالت» با «وصیت» چیست؟
- ۲- کاربرد «مضاربه» در عقود بانکی (حساب‌های پس‌انداز) به چه صورت است؟
- ۳- آیا می‌توان قرض ربوی را به وسیله «صلح» حلال و شرعی کرد؟ نظر مرجع خود را بنویسید.
- ۴- آیا «جعاله» همان «مژدگانی» است؟ تفاوت آن‌دو را بیان کنید.



منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم، ترجمه‌های محمد مهدی فولادوند و آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی
- ۲- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی
- ۳- تحریر الوسیله، امام خمینی (ره)
- ۴- رساله نوین، عبدالکریم بی‌آزار شیرازی
- ۵- رساله توضیح المسائل مراجع
- ۶- تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره)
- ۷- تفسیر نمونه، آیت‌الله مکارم شیرازی و جمعی از محققان
- ۸- مسئله حجاب، استاد شهید مرتضی مطهری
- ۹- بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسی
- ۱۰- حماسه حسینی، ج ۲، استاد شهید مرتضی مطهری
- ۱۱- تحف العقول، ابو محمد بحرانی (ره)
- ۱۲- اصول کافی، شیخ کلینی (ره)
- ۱۳- فروع کافی، شیخ کلینی (ره)
- ۱۴- من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق (ره)
- ۱۵- الخصال الشیعه، شیخ صدوق (ره)
- ۱۶- وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی (ره)
- ۱۷- مستدرک الوسائل، محدث نوری (ره)
- ۱۸- غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد آمدی
- ۱۹- الکُنئی و الالقاب، محدث قمی ج ۲
- ۲۰- کنز العمال، متقی هندی ج ۶

